

## بررسی هجا در زبان ایتالیایی

زهرا اسماعیلی فرد

مریی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۲/۳/۲۱

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۲/۳۰

### چکیده

هجا از شمی‌ترین واحدهای زبانی است که از دیرباز مورد مطالعه قرار گرفته و بحث و بررسی پیرامون مرزهای آن بسیار بوده است. در زبان ایتالیایی هم بر روی آن مطالعات بسیاری انجام گرفته است. در این مقاله عناصری که در آغاز، قله و پایانه هجا در ایتالیایی قرار می‌گیرند، بررسی می‌شوند. این‌گرایش آشکار نیز به چشم می‌خورد که خوشه‌های همخوانی شکسته و به هجاهای ساده‌تر تبدیل می‌شوند. نقش همخوان‌های روان، نوع واکه و محل تکیه در تعیین مرزهای هجایی باید مورد توجه قرار گیرد. حرف تعریف، حرف اضافه و دیگر عناصری که در محور همنشینی قرار می‌گیرند زمینه‌های شکست خوشه‌های همخوانی آغازین واژه را فراهم می‌کنند، اما در درون واژه، همنشینی واکه‌ها در این روند سودمندند.

واژه‌های کلیدی: خوشه همخوانی، هجا، همخوان روان، آواشناسی، زبان ایتالیایی

## مقدمه

کمتر می‌توان واحدی را در زبان‌شناسی مطرح کرد که به‌اتفاق آرا واحدی بنیادین برای مطالعه در نظر گرفته شود، اما دو واحد هجا و کلمه از شمی‌ترین واحدهای زبانی‌اند که گویشوران بومی به خوبی مرزها و قوانین آن را می‌شناسند و مطالعه آن‌ها تاریخ طولانی پیوسته‌ای دارد.

تعریف هجا و چگونگی تعیین مرزهای آن همیشه مورد بحث بوده است. به نظر اغلب واج‌شناسان واژه‌ها و کلام‌های طولانی‌تر را می‌توان بر پایهٔ محدودیت‌های واج آرایسی یا زنجیری خاص هر زبان که نیز مشمول پاره‌ای گرایش‌های جهانی‌اند، تقطیع‌ه‌جایی کرد. هجا از سه بخش آوایی تشکیل می‌شود: آغاز، قله یا هسته و پایانه.

در برخورد واجی نسبت به هجا، فرض اساسی این است که بین ساختمان واژه و ساختمان هجا ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. بنابراین کمال مطلوب خواهد بود اگر همان محدودیت‌های زنجیری که در آغاز واژه عمل می‌کنند، در آغاز هجا نیز عمل کنند، حتی اگر این هجا درون واژه باشد و به همین روال همان محدودیت‌های زنجیری که در پایان واژه عمل می‌کنند، در پایان هجا هم کارگر باشند.

بر اساس این نظرات به مطالعه «هجا» در زبان ایتالیایی پرداختم و کوشیدم با بررسی هجاها و واژه‌ها، زنجیره‌های آوایی مجاز را پیدا کنم، محدودیت‌های زنجیری آوایی را بازشناسم و هجا را چه در آغاز واژه و چه در درون آن بکاویم. افزون بر جستجو در مطالب مدون، از گویشوران بومی هم مدد جستم و به بررسی رشته‌های آوایی در گفتار آرام و نیز سریع پرداختم. از آنجا که مشکلات زیادی برای دستیابی به آخرین مطالعات انجام شده در زمینهٔ آواشناسی و واج‌شناسی زبان ایتالیایی وجود دارد، بررسی ساده‌ترین نکات مستلزم صرف وقت بسیار و جستجوی فراوان است، بر آن شدم تا نتیجهٔ بررسی‌ها را به رشتهٔ تحریر درآورم تا در اختیار پژوهشگران و دانشجویان قرار گیرد.

هنگام آموزش زبان ایتالیایی طبعاً مقدمات زبان‌شناسی مطرح می‌شود، در چارچوب آن به آواشناسی می‌رسیم که به بررسی آواها و هجا می‌پردازد. از سوی دیگر در ترجمهٔ متون نیازمند شناخت برخی ویژگی‌های آوایی، از جمله تفاوت الگوهای هجایی دو زبان مبدأ و مقصدیم که

از جمله در میان اسم‌های خاص ضروری است. در مطالعهٔ دستور زبان، یا در دروس شفاهی، همین قوانین آوایی یاریگر دانشجویند تا بتواند واژه‌ها و عبارات را درست تلفظ کند، نقش تکیه را در این زبان دریابد و در واژه‌سازی ملاحظات آوایی را رعایت کند. در ادبیات هم لازم است اشعار را تحلیل کنیم تا وزن‌ها و بحرهای شعری به دست آید که این نیز شناخت مرزهای هجایی را می‌طلبد.

### قلهٔ هجا

قواعد سستی ناظر بر تقطیع هجاها از ملاحظات آواشناختی بدورند، بنابراین ضمن طرح الگوها، به برخی از این نکات هم مختصر اشاره‌ای می‌شود. همانطور که گفته شد در ساختمان هجا وجود سه بخش آغاز، قله و پایانه مشخص شده است.

ایتالیایی جزء آن دسته از زبان‌هایی است که تنها واکه می‌تواند قله یا هستهٔ هجایی آن باشد، خواه واکه ساده باشد، خواه مرکب. بنابراین عناصر هجاساز دیگر، مثل همخوان‌های روان یا نیمه‌همخوان‌ها در این زبان چنین نقشی ندارند.

به علاوه امکان هجایی تنها متشکل از یک واکه یا با آغازۀ صفر هم برای هجاها مجاز است. بنابراین بر خلاف فارسی از تنوع هجایی بیشتری برخوردار است. پس الگوی کوچکترین هجا در ایتالیایی V است مثل: a - e - re - o. واکه‌های سادهٔ آن به ترتیب پیشین‌افراشته، نیمه‌افراشته، نیمه‌افتاده، افتاده و پسین‌افراشته، نیمه‌افراشته و نیمه‌افتاده‌اند. واکه‌های مرکب آن هم از ترکیب واکه‌های ساده جز i, u با نیمه‌همخوان‌های y, w ساخته می‌شوند. اساساً نیمه‌همخوان‌های ذکر شده، تنها و تنها در چنین ترکیباتی ظاهر می‌شوند.

همهٔ واکه‌های ایتالیایی، حتی واکه‌های نرم، هم می‌توانند به تنهایی یک هجای واحد بسازند و هم مجازند در قلهٔ یک هجای باز قرار گیرند:

reato/re-a-to/

banana / ba-na-na/

e /e/

cinema / ci-ne-ma/

epoca / ε-po-ka/

nebula / n ε-bu-la/

i /i/

si / si/

neolatino / ne-o-la-ti-no/	togato / to-ga-to/
obito / o- bi-to/	cosa/ ko-sa/
uliva / u-li-va/	tu /tu/
uomo / wo-mo/	cuore / kwɔ-re/
guano/gwa-no/	
nuotare / nwo - ta-re/	
guereza /gwe-red-dza/	
iato /ja-to/	astuzia/as-tut-tsja/
iena/jɛ-na/	piede /pjɛ-de/
ierofante/jɛ-ro-fan-te/	piedritto / pje-drit-to/
iodare / jo-da-re/	pioniere / pjo-nje-re/
iodico/ jo-di-ko/	piovere / pjɔ-ve-re/

همانطور که در مثال‌های بالا می‌بینیم، فقط برخی از واژه‌های مرکب (wa,wo,we) به تنهایی یک هجای واحد نمی‌سازند، اما هم‌چنان جایگاه قله را برای یک هجای باز پر می‌کنند. در این زبان، واژه مرکب سه تایی نیز وجود دارد که بررسی این واژه‌ها، خود یک مقاله مستقل را می‌طلبد که فعلاً از بحث درباره آن‌ها خودداری می‌کنیم. نکته حائز اهمیت این است که از نظر هجایی، این واژه‌های مرکب خصوصیات هجاسازی یاد شده را دارند. اما این زبان در پایان هجا فقط می‌تواند یک همخوان بپذیرد (واژه‌های خارجی که با تلفظ زبان نخستین وارد این زبان می‌شوند، مثل cast و برخی واژه‌های تک هجایی لاتینی مثل film از این قاعده مستثنایند) و بیشترین تراکم همخوانی را در آغاز دارد که می‌تواند تا سه همخوان را در این جایگاه بپذیرد. بدین ترتیب الگوهای هجایی ایتالیایی می‌توانند بدین شکل تصویر گردند:

V	amico	/a - mi - ko/
VC	andare	/ <u>an</u> - da - re/
CV	banana	/ <u>ba</u> - na - na/

CVC	palla	/ <u>pal</u> - la/
CCV	fratello	/ <u>fra</u> - tɛl - lo/
CCVC	crollo	/ <u>krɔl</u> - lo/
CCCV	sbrigare	/ <u>zbri</u> - ga - re/
CCCVC	sgraziato	/ <u>zgrat</u> - tsja-to/

### آغاز هجا

همانطور که گفته شد، آغاز هجا می‌تواند صفر باشد و هجا با واکه شروع شود، اما چنانچه در آغاز، همخوان قرار گیرد، وضعیت‌های مختلفی پیش می‌آید. اگر فقط یک همخوان در آغاز قرار بگیرد، همه همخوان‌ها می‌توانند در این جایگاه بنشینند، حتی همخوان‌های کم بسامدی چون  $\text{ʃ}$ . این نکته هم در آغاز واژه و هم در آغاز هجاهای درون واژه‌ای دیده می‌شود:

banco	/ban-ko/
caro	/ka-ro/
acqua	/ak-kwa/
danno	/dan-no/
fidare	/fi-da-re/
gamba	/gam-ba/
giallo	/dʒal- lo/
cece	/tʃe-tʃe/
lume	/lu-me/
mano	/ma-no/
nome	/no-me/
ponte	/pon-te/
ruba	/ru-ba/

sano	/sa-no/
tutto	/tut-to/
vero	/ve-ro/
gli	/ʎi/
gnostico	/ɲos- ti- ko/
scelta	/ʃel-ta/
zeppo	/tsep-po/
zelo	/dze-lo/

اساساً وقوع این همخوان در ایتالیایی مشروط به بافت است که حتماً باید همخوان‌های خاصی در محور هم‌نشینی قرار داشته باشند تا این همخوان بتواند ظاهر شود:

smettere	/zmet-te-re/
----------	--------------

در واقع با یک قاعده، سعی می‌کنیم امکان وقوع Z را بیان کنیم: چنانچه بعد از S یک همخوان واک‌دار قرار گیرد، صدای Z آشکار می‌شود. بنابراین حتماً باید حداقل یک خوشهٔ دو همخوانی باشد تا بافت لازم برای تولید و حضور این صدا فراهم شود.

تشدید، از ویژگی‌های آوایی مشترک در فارسی و ایتالیایی است، با این یادآوری که همخوان‌های مشدد در مرز هجا واقع می‌شوند که یکی پایانهٔ هجای قبل و دیگری آغاز هجای بعد را تشکیل می‌دهد.

تشدید در ایتالیایی بسیار بارزتر است و در برخی بافت‌ها کاملاً قابل پیش‌بینی است. مثلاً همخوان‌های [ʎ ʎ]، در وسط کلمه همیشه مشدد اند.

asciutto	/a ʃ- ʃut-to/
compagno	/kom-pa ɲ-ɲo/
maglia	/maʎ- ʎa/

همخوان‌های ts و dz هم در بسیاری از مواقع بصورت مشدد ظاهر می‌شوند:

azoto	/ad-dzo-to/
azione	/at-tsjone/

اما در مورد سایر همخوان‌ها تشدید، قابل پیش‌بینی و حشو نیست. به هر حال همین ویژگی موجب می‌شود تا همه همخوان‌ها بتوانند آغازگر هجا شوند:

frutto /frut-to/

cassa /kas-sa/

همانطور که گفته شد آغازه واژه و هجا بیشترین تحمل برای پذیرفتن خوشه‌های همخوانی را دارد.

### خوشه‌های دو همخوانی

اگر دو همخوان در جایگاه آغازه قرار گیرند، بحث اساسی این خواهد بود که کدام گروه همخوان‌ها در این جایگاه می‌نشینند. همخوان‌های [dʒt] و [ŋʌ] می‌توانند آغازگر خوشه باشند. r و l در جایگاه عنصر دوم خوشه بسیار فعال‌اند و بیشترین و پر گرایش‌ترین خوشه‌های همخوانی با این دو صدا ساخته می‌شود. این دو همخوان با m نمی‌توانند خوشه دو همخوانی بسازند، بنابراین ترکیب ml و mr اصلا وجود ندارد.

خوشه‌های دو همخوانی مجاز عبارتند از:

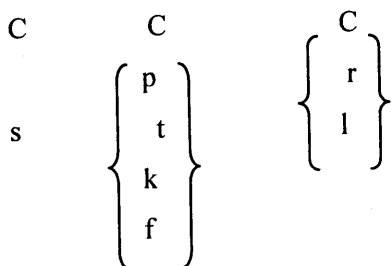
br	brigata	/ brigata/
bl	blando	/ blando/
dr	dramma	/ dramma/
kl	clandestino	/ klandestino/
kr	critica	/ kritika/
fl	fluire	/ fluire/
fr	fra	/ fra/
gr	grande	/ grande/
gl	glaciale	/ glat ʃale/
mn	mnemonico	/ mnemɔniko/
pl	placare	/ plakare/

pn	pneumatico	/ pneumatiko/
pr	premio	/ premjɔ/
ps	psichico	/psikiko/
pt	ptialina	/ ptialina/
sp	spasmo	/spazmo/
st	studente	/ studente/
sk	scaffale	/skaffale/
sf	sfarzo	/ sfartso/
tr	treno	/ treno/
tl	atlantico	/ atlantiko/
tm	tmesi	/tmezi/
zb	sbarra	/zbarra/
zd	sdegno	/ zde ŋɔ/
zg	sgabello	/ zgabello/
zr	sradicatore	/ zradikatore/
zl	slancio	/ zlantʃo/
zm	smeraldo	/ zmeraldo/
zn	snello	/ znello/
zv	svedese	/ zvedese/

### خوشه‌های سه همخوانی

اگر خوشه سه همخوانی داشته باشیم، حتماً آغازه آن یکی از همخوان‌های s یا z است. اگر با s شروع شود، همخوان دوم یکی از همخوان‌های f/k/t/p است. همخوان سوم یک صدای روان مثل r یا l است.





خوشه‌های stl و sfl وجود ندارد.

splendido /splendido/

spremere /spremere/

strano /strano/

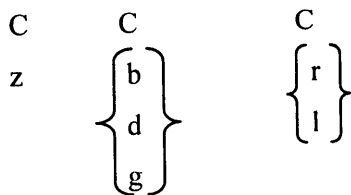
sclerosi /sklerosi/

screpolato /skrepolato/

sfrancare /sfrancare/

اگر با z شروع شود همخوان دوم یکی از همخوان‌های g/d/b است و همخوان سوم یک

صدای روان مثل r یا l.



sbrigare /zbrigare/

sgradito /zgradito/

sdraio /zdrajo/

sbloccare /zblokkare/

خوشه zdl و zgl وجود ندارد.

## گرایش به شکستن خوشه‌ها

در ایتالیایی عملاً یک محدودیت زنجیری آوایی به چشم می‌خورد، به این صورت که گرایش به شکستن خوشه‌های سه همخوانی وجود دارد. گرچه در آغاز و آواز این خوشه وجود دارد، اما عملاً در گفتار پیوسته با مدد جستن از سایر عناصر در محور هم نشینی این خوشه‌ها شکسته و تبدیل به دو هجا می‌شود. در نتیجه خوشه دو همخوانی آغازگر هجای دوم می‌شود. در وسط کلمه‌ها هم این خوشه‌ها شکسته می‌شوند:

strada	→	la strada	→	las-tra-da
distrutto	→	dis-trut-to		
arrischiare	→	ar-ris-kja-re		

در واقع خوشه‌های دو همخوانی بسیار مطلوب‌تر اند.

در میان انواع کلمه، خوشه‌های سه همخوانی را عمدتاً در اسم و فعل و به مراتب کمتر در صفت یا قید می‌بینیم. دیگر انواع کلمه (حرف تعریف، حرف ربط، حرف اضافه، ضمیر و ...) از چنین ترکیب همخوانی برخوردار نیستند.

در مورد اسم که بیشترین امکان برای داشتن این خوشه‌های آغازین را دارد، موثرترین عامل برای شکست آن‌ها، حرف تعریف‌های معین و یا نامعین و اساساً وابسته‌های پیشین اسم‌اند.

در مورد فعل، ضمائر شخصی که همگی به واکه ختم می‌شوند، زمینه شکست را فراهم می‌آورند البته ضمائر مفعولی هم نقش ویژه‌ای دارند.

در مورد صفات یا پایانه، واژه‌ای که قبل از آن می‌آید محیط مناسبی می‌آفریند یا با جابه‌جایی اسم و صفت شرایط لازم پدید می‌آید..

در مورد قید هم واژه‌ای که پیش از آن می‌آید به این روند کمک می‌کند.

در خوشه‌های دوهمخوانی هم شاهد شکستن‌ایم. خوشه‌های zv, zn, zg, zd, zb, tm, sp, zm, ps, pt, sf, sk, st شکسته می‌شوند:

risparmio	/ris-par-mjo/
pista	/pis-ta/

capsula	/kap-su-la/
captare	/kap-ta-re/
castagno	/kas-taŋ- no/
crismale	/kriz-ma-le/
asfalto	/as-fal-to/
costante	/kos-tan-te/
mescolare	/mes-ko-la-re/
ritmare	/rit-ma-re/
asbesto	/az-bes-to/
bisdosso	/biz-dos- so/
disgombro	/diz-gom-bro/
disnodare	/diz-no-da-re/
disvalore	/diz-va-lo-re/

با مطالعه دقیق‌تر معلوم می‌شود که نوع واکه در این شکست‌ها تاثیری ندارد و اساساً گرایش غالب به خوشه‌های دو همخوانی و بویژه خوشه‌هایی است که جزء دوم آن یک صدای روان مانند r یا l است.

از سوی دیگر گرچه پیشوندها و پسوندها در مرزهای هجایی تاثیر بسزایی دارند، اما قاعدهٔ ایجاد خوشه‌های روان را نقض نمی‌کنند.

#### پایانهٔ هجا

هجاهای باز یا هجاهایی با پایانهٔ واکه، پر بسامدترین هجاهای این زبان را تشکیل می‌دهند و یکی از علل آهنگین بودن این زبان هم همین نکته است (نگاهی به مثال‌هایی که پیش از این آورده شد، این مطلب را نشان می‌دهد).

در مرتبهٔ دوم، هجاهایی قرار دارند که پایانهٔ آن‌ها یکی از همخوان‌های n,m,l,r است. (رجوع شود به مثال‌هایی که پیش از این آورده شد).

در مرتبه سوم هر همخوانی که مشدد باشد، به لحاظ تشدید می‌تواند در موضع پایانی هجا قرار گیرد، بنابراین کم بسامدترین همخوان‌ها هم می‌توانند در پایانه قرار گیرند. سرانجام، به دلیل شکست خوشه‌های همخوانی و تشکیل هجاهای جدید، همخوان‌هایی چون s و بویژه z هم می‌توانند در پایانه قرار گیرند:

castrino	/kas-tri-no/
plasmato	/plaz/ma/to/

### نتیجه‌گیری

با وجودی که در فرهنگ‌های لغت واژه‌های بسیاری را با خوشه‌های سه همخوانی و دو همخوانی در آغاز می‌بینیم که جای تردید را در قرار گرفتن این همخوان‌ها، بصورت نظری، کنار هم نمی‌گذارند، عملاً هنگام تلفظ به دلیل یک محدودیت زنجیری آوایی، چه در آغاز و چه در میان واژه، شاهد شکست خوشه‌ها ایم که این کار با قوانین تقطیع هجایی سنتی ایتالیایی کاملاً مغایرت دارد.

روال شکستن خوشه‌های سه همخوانی آغازین هجا برای ایجاد زنجیره‌ای که عنصر دوم آن یک صدای روان مانند r یا l باشد، و خوشه‌های دو همخوانی برای ایجاد هجاهایی با آغاز یک همخوانی وجود دارد. بنابراین به لحاظ اهمیت شناخت مرزهای هجایی در آموزش و مطالعه و زبان، باید در کتاب‌های دستور، شیوه سنتی تقطیع هجایی بطور کامل بازبینی شود و توصیف‌های مناسب‌تری جایگزین آن گردد.

از سوی دیگر ایتالیایی زبان‌ها، وقتی بخوانند یک واژه را بصورت مستقل بیان کنند، می‌توانند این خوشه‌ها را تولید کنند. در حالی که برای فارسی زبان‌ها تلفظ چنین خوشه‌های آغازینی سخت است و دانشجوی فارسی زبان به زحمت می‌تواند این واژه‌ها را بصورت منفرد بیان کند و ترجیح می‌دهد در بافت آن‌ها را تلفظ کند تا بتواند آن‌ها را بشکند. در این صورت باید به مرزهای هجایی ایتالیایی و تفاوت آن با فارسی توجه بسیار کند که دچار اشتباه نشود. بنابراین فرا گرفتن نحوه شکست خوشه‌های همخوانی برای دانشجویان ما بسیار مهم است.

منابع

- ۱- هایمن، لاری ام.، *نظام آوایی زبان نظریه و تحلیل*، ترجمه یدالله ثمره، تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۶۸.
- 2- Belardi, W., *Fonetica*, Bulzoni Editore, Roma, 1974.
- 3- Hannahs, S.J., Davenport, M., " *Italians - voicing and the structure of the phonological word*", *Phonological structure*, Benjamins, 1999, pp 197-214.
- 4- Samareh, Y., *The arrangement of segmental phonemes in Farsi*, Tehran, University of Tehran, 1974.
- 5- Zingarelli, N., *Dizionario*, Zanichelli, Bologna, 1970.